

بر من عرضه کرد قرآن بر من خوانده و آنکه که هر که کلامی از این  
 نشنیده بودم اسلام آورد و شهادت گفت بعد از آن کفتم  
 یا رسول الله من در میان قوم خود مطاع و فرمان را دارم بخوانم  
 که بقوم خود باز گردم و ایستاد باسلام خوانم مرا چون مدعی  
 باشد رسول الله علیه و سلم فرمود که اللهم جعل له اية بسبب  
 قوم خود روان شد چون ایشان نزدیک رسیدم میان  
 دو چشم من نوری پیدا شد و همچنان همچنان نوری در چشمید کفتم  
 خداوند این است را در غیر روی من ظاهران کرد ان  
 که می رسم که قوم من گویند که این تعبیر است که در صورت وی  
 از جهت مفارقت بین ما پیدا شده است ان نور بسبب بازماندن  
 منتقل شد چون تبدیل او گشته می در چشمید صد گاه در میان ایشان  
 بودم ان کی از ایشان پیش ایمان می آوردند پیش رسول صلی الله  
 و سلم بلکه باز آمدم کفتم یا رسول الله بر دوس دعا بر من که رساند  
 ایشان بسیار شده است رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که اللهم  
 اهد دوسا بسبب مرگت بقوم خود ما را گردان ایستاد باسلام

دعوت کن بر فتم تو در میان ایشان می بودم و ایستاد باسلام خوانم  
 چون رسول صلی الله علیه و سلم هجرت کرد و غزوات بدر و احد  
 و خندق و لخمه در غزوه خبیره با جمعی که اسلام آورده بودند  
 بوی صلی الله علیه و سلم پیوسته و با فتح مکه با وی بودم مرا آورد  
 بدی الکفین که قضی بود تا ویرا بسوزم رفتم تو ان ضمیر البوصی  
 و بسوی رسول صلی الله علیه و سلم باز آمدم و تا روز وفات وی  
 با وی بودم **دوم آیه از آیه** که چون بعد از وفات رسول صلی الله  
 علیه و سلم عرب مرتد با جماعت مسلمانان بجانب مکه توجه شد  
 با اصحاب گفت که در خواب جهان دیدم که سر مرا بر آتشید و ان  
 در مرغی از دهان من بیرون برید و زنی مرا دید و فریاد کرد  
 درون برد بسبب من را بسیار طلب کرد و منافقت اصحاب گفتند  
 نیز خواهد بودی گفت من بجهت این کرده ام ترا شنیدن نبوت  
 که سر تو را هم نهاد و مرغی که از دهان من بیرون برید و فریاد  
 که مفارقت خواهد بود و مرا در ایام بنیان خواهد ساخت و اما  
 طلب بسبب مرا نیست که وی نیز بسیار جدا کند با چون من

دعوت کن